

بررسی بحران‌ها



تحلیل و بررسی مشکلات، معضلات و بحران‌های سینمای ایران و آرایه‌ی راهکارهایی در جهت رفع این نواقص تارسیدن به راه حل کلیدی و آشنایی تحول و تکامل سینمای کشور روندی است که در این سلسله‌میزگردها و از جمله نشست حاضر پی گرفته‌ایم. در این جلسه آقایان فریدون جیرانی (نویسنده و کارگردان)، سعید حاجی‌میری (تهیه‌کننده و کارگردان)، حجت‌الله سیفی (کارگردان سینما) و جبار آذین (منتقد و نویسنده سینمایی) حضور دارند. با ما همراه باشید.

محمدرضا لطفی

سلسله میزگردهای تخصصی سینمای ایران (۷)

## سینماگران و مدیران سینما، پشت یک میز

شما سینمای ایران یک سینمای بحران‌زده است، یا خیر و اگر به اعتقاد شما سینمای ما یک سینمای بحران‌زده است، این بحران‌ها را در چه مسایلی می‌بینید؟

جیرانی: شرایط سینما و اساساً هنر از فضای جامعه نشأت می‌گیرد. سینمای فعلی ما هم از شرایط فعلی جامعه‌ی ما جدا نیست و تابع جریان‌ات جامعه است. به هر حال یک سرگردانی وجود دارد. سرگردانی میان دو دنیای قبل و بعد از سال ۷۶. این سرگردانی در دو سال اخیر میان مسئولین و برای برنامه‌ریزی دیده می‌شود. اقتصاد و سیاست دچار سرگردانی است و طبیعتاً چون سینما از جامعه تأثیر می‌پذیرد از این سرگردانی بی‌بهره نمی‌ماند. شاید ۳ یا ۴ سال برای رسیدن مسئولین فعلی به یک برنامه‌ی ملون زمان نیاز داشته باشیم. نهایتاً وضعیت فعلی سینما متأثر از شرایط جامعه است.

لطفی: یعنی شما معتقدید که خود سینما مشکلی ندارد و مشکل از جامعه است؟!

جیرانی: سینما را جدا از جامعه دیدن کار غلطی است. سینمای مستقل از جامعه وجود ندارد مخلوط شرایط جامعه مانند اقتصاد، سیاست، هنر و شرایط اجتماعی است که روی هنرمند تأثیر می‌گذارد و هنرمند در هر مقطعی از آن دست به خلق اثر هنری مانند فیلمسازی، تئاتر و ... می‌زند. شما نمی‌توانید بگویید که سینما، مستقل از جامعه دارای فلان مشکلات است. نه! ممکن است سینما دارای مشکلات خاص خودش باشد که با کند و کاو بتوانیم آن‌ها را فهرست کنیم اما همان مشکلات نیز باز، ریشه در مشکلات جامعه دارند.

لطفی: آقای جیرانی، ما در دهه‌ی ۶۰ درگیر جنگ تحمیلی بودیم اما همواره از سینمای دهه‌ی ۶۰ به عنوان عصر طلایی سینمای ایران بعد از انقلاب یاد می‌شود. چرا؟! ممکن است علت آن را بیان فرمایید؟

جیرانی: آن سینما کاملاً دولتی است. اگران، اقتصاد و کنترل آن در دست دولت است. دولت در آن دوره با یک اقتصاد نظارت‌شده و کنترل‌شده مملکت و سینما را اداره می‌کرد. از دوره‌ی آقای هاشمی

لطفی: ضمن عرض خیر مقدم خدمت مهمانان عزیز. در این جلسه به آسیب‌شناسی سینمای ایران از منظر کارگردانان می‌پردازیم. در ابتدای جلسه از آقای آذین می‌خواهم شمه‌یی از آن چه در جلسات گذشته مطرح شد را خدمت دوستان ارایه دهند و پس از آن به بحث جدید خواهیم پرداخت. آذین: به نام خدا. این جلسه هفتمین جلسه از میزگردهای سینمایی نقد سینماست. طی جلساتی که تا کنون برگزار شده دوستانی از طیف‌های مختلف سینما حضور داشتند و پیرامون مسایل مختلف سینما بحث‌هایی صورت گرفته است. این بحث‌ها از جزییات شروع شد و در ادامه به مسایل کلی و کلان سینمای ایران رسیده است. در جلسات از مشکلات و مسایلی که وجود دارد و آرایه‌ی راهکارهای مناسب در حل آن‌ها صحبت شد نهایتاً اکثر مهمانان میزگرد مسئله‌ی سینمای دولتی را مطرح کردند. بدین معنا که سرتخ مشکلات و معضلات موجود در سینمای ایران در دست دولت است و اگر دولت دست از دخالت در سینما بردارد و نقش ناظر و حمایت‌کننده را ایفا کند، بخش اعظم مشکلات سینما حل خواهد شد خود من و برخی دوستان بر این عقیده هستیم که اگر نوعی مسالمت، آشتی و گفت‌وگو بین طیف نخبه‌ی بخش خصوصی و نمایندگان تفکر دولتی در سینما شکل بگیرد و به جایی برسند که سینما توسط بخش خصوصی با نظارت فعال دولتی اداره شود، مشکل حل خواهد شد. در کل نظرات مختلفی مطرح گردید. اکثر مهمانان میزگردهای ما از بخش خصوصی سینما بودند و نگاه دولتی کمتر در این جلسات مطرح شد. با این احوال بحث اصلی هم‌چنان مسئله‌ی سینمای دولتی و خصوصی است و این که کدام بخش باید سینما را اداره کند و سرانجام تکلیف چه خواهد بود. این مجملی از بحث‌های مطرح‌شده در جلسات پیشین بود که خدمت دوستان ارایه گردید.

### بحران در سینما

لطفی: در جلسات گذشته هم‌چنین مختصراً به تاریخ سینمای ایران در پیش از انقلاب و سینمای بعد از انقلاب و دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ پرداخته شد. اولین سؤال را برای آقای جیرانی مطرح می‌کنم. آیا به نظر

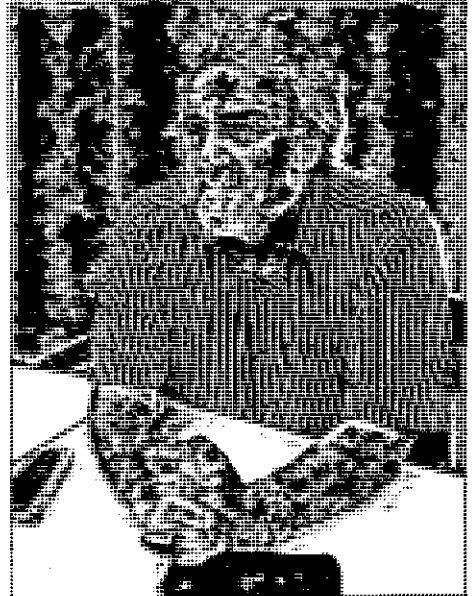


فریدون جیرانی:  
اقتصاد و سیاست دچار  
سرگردانی است و  
طبیعتاً چون سینما از  
جامعه تأثیر می‌پذیرد،  
از این سرگردانی  
بی‌بهره نمی‌ماند

### دوره‌ی طلایی سینمای ایران

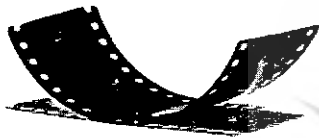
سیفی: دهه‌ی ۶۰ که به نظر شما دوره‌ی طلایی است به واسطه‌ی حمایت دولت بالنده می‌شود. در آن دوره حمایت دولت یک حمایت سوبسیدی بود و سعی می‌شد که سینما به یک اعتدال برسد و جریان سالمسازی درون سینما شکل بگیرد بنابراین در آن زمان باید هزینه می‌کردند و فکر می‌کنم از جشنواره‌ی سوم به بعد بود که بنیاد فارابی طراحی شد و فعالیت خود را شروع کرد و اهداف دیگری را در پیش گرفت. در آن دوران سینما به شکل فعلی نبود. فیلمساز به این تعداد نبود. مشکلی که ما در سینما داریم این است که تصمیم‌گیری ما یک تصمیم‌گیری بنیادی نیست بلکه شخصی و فردی است و حالت سیستماتیک ندارد، سلیقه‌ی است و این مسئله به کل مجموعه‌ی سینما لطمه وارد می‌کند. یک مسئول می‌آید و سینمای ما را با سینمای هند مقایسه می‌کند و می‌گوید در سینمای هند با ۱۵۰ هزار دلار یک فیلم تولید می‌کنند در حالی که می‌توانستیم در ایران بدون سوبسید تولید می‌شود بازار خارج از ایران ندارد. هیچ خریدار خارجی نمی‌آید بگوید که من طالب فیلم جیرانی و یا سیفی هستم و می‌خواهم آن را نمایش دهم اما ما از محصولات آن‌ها شبکه‌های مختلف خودمان را تأمین می‌کنیم. پس سینمای کشور خودمان را نباید با سینمای هیچ کجای دیگر مقایسه نماییم و یا مثلاً وقتی در برخی از نشست‌ها مسئولان یک فیلم خارجی را می‌بینند، توقع دارند که با امکانات ما فیلمی شبیه به آن ساخته شود در صورتی که چنین چیزی امکان ندارد و ما نباید سینمای ایران را با اروپا یا دیگر کشورها مقایسه کنیم. همین مسئله باعث سردرگمی در تصمیم‌گیری می‌شود. یک مدتی مشکل سینما فیلمنامه و پروانه‌ی ساخت بود. ما به علت این که تصمیم‌گیری کلان در سینما نداریم، یک اساسنامه‌ی مصوب در یک نهادی مانند وزارت ارشاد در بخش تولید و ارزشیابی وجود ندارد که اگر مدیر جدیدی آمد حق نداشته باشد در آن تغییری بنیادی ایجاد کند یا آن را ترمیم نماید طبق فرمایش آقای جیرانی این مشکل از جامعه سرچشمه می‌گیرد. مشکلات سینمای ما بسیار زیاد است. از فیلمنامه

اقتصاد فرق می‌کند. از دوره‌ی آقای موسوی نه به شکل سوسیالیستی اما کاملاً کنترل شده کشور اداره می‌شد و اقتصاد خاصی در جریان بود. در آن دوره قرار بر این نبود که سرمایه‌داری گسترش پیدا کند. همه چیز از روزنه‌ی هدایت و نظارت کامل دولت عبور می‌کرد. تولید فیلم با وام‌های بدون بازگشت دولتی و با سوبسید بسیار باصرفه‌تر بود. آن دوره به عقیده‌ی من دوره‌ی سینمای خاص دولتی است و مقایسه‌ی آن با سایر دوره‌ها کار درستی نیست. از زمان آقای هاشمی رفسنجانی و نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۷۰ همه چیز عوض شده و سینما هم دستخوش تحولات خاص خودش گردید. پیش از آن دولت هم نظارت و هم هدایت می‌کرد اما از آن دوره به بعد سینما مسیر دیگری را پیش می‌گیرد. در آن دوره با کمک‌های مالی و جنسی دولت نظیر فیلم و غیره فیلمسازی چون «کیانوش عیاری» به راحتی می‌توانست فیلم بسازد و حتی اگر فیلمش نمی‌فروخت می‌توانست به حیات خودش ادامه دهد. از دهه‌ی ۷۰ به بعد شعار «جامعه کلاً عوض شد» شعار جامعه شد؛ رفاه، رشد سرمایه‌داری، رشد جامعه، ساخت ساختمان‌های بلند، ساخت فروشگاه‌های زنجیره‌ی، وارد شدن ماشین‌های خارجی و معنا پیدا کردن مصرف. تا پیش از آن می‌گفتند سرمایه‌داران زالوصفت. سرمایه‌دار و سرمایه‌داری معنا پیدا کرد. جامعه تبدیل به جامعه‌ی مصرفی شد. در آن دوره سینما دیگر سینمای دولتی دهه‌ی ۶۰ نبود و باید وارد سیستم عرضه و تقاضا می‌شد و روی پای خودش می‌ایستاد. در زمان آقای «ضرغامی» و قبل از آن پول زیادی به سینما تزریق شد تا سینما روی پای خودش بایستد. مابین سال‌های ۷۴ تا ۷۶ اگر پول به سینما تزریق نمی‌شد، سینما نمی‌توانست روی پای خودش بایستد. آقای ضرغامی از تمام قدرت خودش برای تزریق پول به سینما استفاده کرد. از سال ۷۶ به بعد اوضاع کلاً فرق کرد. اگران آزاد شد و سینما وارد نظام عرضه و تقاضا شد. بخش خصوصی گسترش پیدا کرد و دولت کم‌ترین دخالت را در عرصه‌ی سینما داشت بنابراین این دوره کاملاً جدید است و سینمای دهه‌ی ۶۰ را با دهه‌های ۷۰ و ۸۰ نباید مقایسه کرد.



### سعید حاجی میری:

راه نجات سینمای ایران ساختن سالن به وفور است. اگر این کار صورت گیرد، بسیاری از مشکلات نظیر ممیزی، تنگ نظری مسئولان، رقابت ناجوانمردانه‌ی تلویزیون با سینما، مشکل ستاره‌سالاری و ... خود به خود حل خواهد شد



### مشکل کجاست؟

لطفی: آقای آذین آیا شما سینمای ایران را اساساً یک سینمای بحران زده می‌دانید یا نه؟

آذین: همان‌طور که آقای جیرانی اشاره فرمودند، سینما در ایران بیش از هر چیز به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مطرح است. برخی از مشکلاتی که سینمای امروز با آن دست به گریبان است را اقتصاد و فرهنگ جامعه به آن دیکته کرده است. با این احوال خود سینما به عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی و صنعتی خاص، ویژگی‌ها و مسایل و مشکلات خاص خود را دارد. نظر من این است که بیش‌تر به مسایل خاص خود سینما بپردازیم تا آن چه که به مسایل کلان و خاص فرهنگی جامعه مربوط است. واقعیت این است که سینمای فعلی ما اوضاع بسامانی ندارد درست است که یک یا دو فیلم فروش خوبی دارند و چند فیلم نسبتاً خوب هم در طول سال ساخته می‌شود و فیلمسازان ما موفق می‌شوند - البته نه به شکل سابق - فیلم‌های خود را در جشنواره‌های داخلی و خارجی به نمایش درمی‌آورند و بعضی از آن‌ها هم وارد بازار بین‌المللی نمایش فیلم بشوند اما این قاعده‌ی سینمای ما نیست، این‌ها استثناهایی هستند که به هزار و یک دلیل نمی‌توانند در سینمای ما قانونمند باشند چرا که ما اساساً سینمایی قانونمند و باهدف نداریم. ما مشکلات بسیاری داریم. سینمای ما در بخش فیلمنامه، کارگردانی، اقتصاد، مناسبت‌های سینمایی و مدیریت دچار بحران است. اعتقاد من این است که بخش عمده‌ی مشکلات موجود نتیجه‌ی تفکر دولتی در سینماست. متأسفانه اغلب کسانی که طی سال‌های اخیر بر مسند مدیریتی سینما تکیه زده‌اند، کم‌ترین نزدیکی و اطلاع را از سینما

گرفته تا سرمایه‌گذاری و گرفتن وام و اکران و سالن نمایش. بعد از گذشت ۳۰ سال هنوز وضعیت ما در حالت عادی هم قرار نگرفته است. ده سال قبل می‌گفتیم که طی ۱۰ سال آینده فلان مشکل برطرف خواهد شد و ما به فکر فردای سینما هستیم، این تغییرات و اصلاحات برای فردا کی شروع خواهد شد خدا می‌داند و ما کماکان به فکر فردا هستیم. مشکلات سینمای ما در کجاست؟ سرمایه‌گذاری، تولید و یا اکران؟! این‌ها مسایلی است که رسیدن به چاره‌ی مشکل آن در یک جلسه و دو جلسه میسر نمی‌شود اما ریشه‌ی تمامی آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های هر از گاه و دم‌دمی مزاجانه‌ی مسئولین در بخش‌های مختلف سینماست. تصور کنید فیلمی که پروانه‌ی ساخت گرفته و ساخته شده چرا باید موقع اکران دوباره ارزشیابی شود و مجدداً برای آن پروانه صادر گردد؟! اندیشه‌ی شخصی مانند جیرانی به جای این که درگیر ساخت فیلم شود باید درگیر مشکلات و گرفتاری‌های بعد از تولید فیلم باشد این مشکلات وجود دارد و با این نشست‌ها هم حل نخواهد شد. من و آقای جیرانی هم نمی‌توانیم آن را حل کنیم. این یک نگاه کلان است. وقتی فیلمی ساخته می‌شود و شما به آن اجازه‌ی اکران نمی‌دهید به کلیت سینما ضربه وارد می‌کنید چون آن فیلم ساخته شده و کم‌هزینه‌ترین آن صد میلیون تومان هزینه در بر داشته و شما می‌گویید که اکران نشود. مگر فیلمنامه خوانده نشده؟ مگر گفت‌وگوهای آن در فیلمنامه نبوده؟ چرا اجازه‌ی اکران به آن نمی‌دهید؟ هر از گاهی یک سیاست جدید وارد می‌شود و همین مسئله باعث می‌شود همیشه ما درگیر مشکلاتی باشیم بدون این که کسی قادر باشد آن مشکلات را حل نماید.



حجت‌الله سیفی:  
تمام مشکلات  
سینما نتیجه‌ی  
تصمیم‌گیری‌های  
هر از گاهی و  
دم‌دمی مزاجانه‌ی  
مسئولان سینماست

برگردیم به سال‌های ۶۲ تا ۶۸؛ اما چرا آن دیدگاه نمی‌تواند دوباره عمل کند؟ برای این که جامعه‌ی ما تغییر کرده است. دیگر سینمادار تابع آن جریان نمی‌شود. سینمادار حتی در بخش حوزه که بخش دولتی است تابع جریان بخش خصوصی است. دولت بین این دو جریان مانده است. اول جریانی که می‌گوید باید فرهنگ را کنترل کنی، حمایت کنی، برگردی و... و از طرف دیگر واقعیت‌های جامعه پذیرای آن نیست. پس معضل اصلی همین سرگردانی است که وجود دارد. این که دولت چهقدر دخالت کند یا نکند، بحثی فرعی است. آقای آذین حرف جالبی زدند. تفکر دولت جدید نظارت کامل است و نمی‌خواهد فرهنگ را رها کند. حال چگونه می‌خواهد آن معضل بخش خصوصی را هم که خودش در آن درگیر است و با آن پیش می‌رود، حل کند، آن را دیگر من نمی‌دانم!

سیفی: این که دولت بخواهد هدایت و نظارت کند امری طبیعی است، اما چهقدر؟! این که در بخش خصوصی تهیه‌کننده بیاید، سرمایه‌گذاری کند و دولت موقع اکران جلوی آن را بگیرد و بگوید غیرقابل نمایش، این دیگر نشدنی است.

جیرانی: تفکر دولت بر این است که معاونت سینمایی گفته سال فیلم خوب! فیلم خوب یعنی چه؟! فیلم خوب یعنی ما پول بدهیم فیلم خوب ساخته بشود. این حرف این معنا را می‌دهد.

لطفی: همه‌ی ما معتقدیم ابتذال چیز بدی است. با توجه به این موضوع کار سینما چیست؟ فرهنگ‌سازی؟ سرگرمی؟ تجارت یا برگرداندن پول؟ این سؤال ابتدایی هنوز بی‌جواب است که کار سینما چیست!

سیفی: همه‌ی این‌ها را شامل می‌شود.

### سینما، سرگرمی است یا ...

جیرانی: من معتقدم که سینما سرگرمی است و اگر این واژه را از آن بگیرد چیزی از آن جز شعار باقی نمی‌ماند اما دولت نفتی و دولتی که متکی به درآمد نفتی است که این چیزها را قبول ندارد. اصلاً در تمام جاهایی که اقتصاد در دست دولت است، حق نظارت بر سینما را برای خودشان قابل هستند یعنی معتقدند که سینما باید نظارت شود. جاهایی موفق‌اند مانند هند و آمریکا که سینما را ابزاری به عنوان سرگرمی تلقی

داشتند. این‌ها ممکن است در مقاطع و مکان‌های دیگر مدیران بسیار خوبی بوده باشند، اما به دلیل نشناختن سینما و اعمال نظرات سلیقه‌ی، سینمای فعلی ما را به چیزی تبدیل کرده‌اند که شاهد آن هستیم. سینمای ما به خاطر وجود انواع بحران‌ها تبدیل به سینمایی بی‌هویت و خنثی شده است و برای این که از این وضعیت خارج شود، باید اداره‌ی سینما به اهل آن واگذار گردد. اهل سینمایی که بتواند سینما را زیر نظر دولت اداره کند در واقع طیف نخبه‌ی بخش خصوصی است و نه همه‌ی آن. متأسفانه این اتفاق به دلیل نگاه خاص دولت به فرهنگ و سینما نخواهد افتاد. این را در جلسات گذشته هم بارها عرض کردیم. این نگاه، ترکیب نادرستی است از تصویری که در مورد فرهنگ، دین و مسایل عمومی و خصوصی جامعه وجود دارد. این درک ناصحیح باعث شده که در بخش دولتی، مسئولین به این نتیجه برسند که سینما به هیچ عنوان نمی‌تواند در دست بخش خصوصی قرار بگیرد، چرا که امکان بازگشت سینما به فیلمسازی وجود دارد. این تفکر و نگرش هیچ‌گاه اجازه‌ی رشد به سینمای ایران نخواهد داد. با توجه به تمام این مسایل، راهی که می‌ماند، راه تعامل است، طی نشست‌های اصولی و تخصصی سینماگران با مدیران دولتی. شاید با این برنامه بتوانیم در جهت اداره‌ی بهینه‌ی سینما حرکت‌هایی انجام بدهیم.

### میزان دخالت دولت در سینما

سیفی: آقای جیرانی ممکن است بفرماید که به نظر شما میزان دخالت دولت در سینما به چه اندازه‌ی باید باشد؟

جیرانی: به نظر من اصلاً موضوع این چیزها نیست! شعار دولت فعلی عدالت است که شعار خیلی خوبی هم هست. شعار عدالت در یک جاهایی با اصل ۴۴ قانون اساسی که بخش خصوصی را تعریف می‌کند هم‌خوانی ندارد. دولت برای خودش این حق را قایل است که بخواهد فاصله‌ی طبقاتی را در جامعه کم کند. اصولاً دولت جدید با این شعار روی کار آمد. از طرفی این دولت جدید معتقد است که فرهنگ باید کاملاً کنترل شده باشد و نمی‌تواند فرهنگ را واگذار کند. من اخیراً مقاله و خبری از آقای «شورجه» خواندم که در آن گفته شده بود در جنبندی را دوباره برگرداندند و این یعنی اکران‌بندی را دوباره برگردانند. معنای آن این است که ما دوباره

**جبار آذین: سینمای ما به خاطر وجود انواع  
بحران‌ها تبدیل به سینمایی بی‌هویت و خنثی شده  
و راه برون‌رفت از این وضعیت، واگذاری اداری  
سینما به اهل آن است**



**محمدرضا لطفی: همه معتقدیم ابتذال بد است  
و سینما نباید به این سمت برود. بهتر نیست  
وظیفه‌ی سینما را مشخص کنیم؟**

موقعیت‌های شهری ما تغییر کرده است. سینماها باید در مکان‌هایی قرار بگیرد که هم مردم بتوانند تفریح کنند و هم بتوانند فیلم ببینند. سینما محل تفریح مردم است و باید از دل شهر جدا شود. سینما مدرسه نیست. الآن چند سال است که سینما «قیام» قرار است به پاساژ تبدیل شود و در جای دیگری بنا شود ولی به دلیل عدم هماهنگی دولت، تا کنون این اتفاق نیفتاده است. من کاملاً در جریان آن هستم.

زمانی که بنیاد فاریبی شکل گرفت هدفمند کردن و هدایت کردن سینما بنای کار بود و پس از آن همه چیز به دست خود فیلمسازان سپرده شد و به این‌جا رسیدیم که چه باید بکنیم. هر از چند گاهی هم چنین جلساتی برگزار می‌شود ولی باز هم درجا می‌زنیم و تنها حسن آن این است که همدیگر را می‌بینیم و حرف‌های دلمان را می‌زنیم.

**نقد متصفانه‌ی سینما**

**لطفی:** آقای حاجی میری آیا به نظر شما سینمای ما سینمای بحران‌زده‌ی است یا خیر و اگر هست در مقطع فعلی (سال ۸۷) بحران‌های سینمای ایران را در چه می‌بینید؟

**حاجی میری:** ما چه مشکلی در سینمای ایران داریم؟! مگر سینمای ما دچار مشکلی است؟! همان‌گونه که وضعیت معیشتی مردم هیچ مشکلی ندارد و در رفاه کامل به سر می‌برند! حال از بحث مزاح هم اگر بگذریم برای این که جرئت نقد کردن سینما را به خودمان بدهیم، باید انصاف بدهیم و اول از خوبی‌های آن بگوییم. یکسره به سراغ کاستی‌ها و معایب آن رفتن کمی بی‌انصافی است. در پاسخ به چنین سوألی ما باید خود را با سایر کشورها مقایسه کنیم البته منتهای هند و آمریکا چون سینما در این دو کشور به صورت صنعت درآمده است. ما باید سینمای خود را با سینمای برزیل و فرانسه مقایسه کنیم یا اگر خیلی به خودمان جرئت بدهیم با سینمای اروپا مثل آلمان. ما باید خدا را شکر کنیم که اصلاً سینما داریم و گر نه مقوله‌ی جهانی‌سازی، زیرساخت‌های سینما در کل دنیا را از بین برده است. هم‌چنین تنوع مدیا یا رسانه‌ها باعث شده که بسیاری

می‌کنند و شاهکارهای سینمایی هم از دل سرگرمی بیرون می‌آیند نه از دل نظارت دولت. الآن وقتی چرخه‌ی صنعت بچرخد، فیلم خوب هم تولید می‌شود ولی این که ما بگوییم سالی ۱۰ تا فیلم خوب تولید کنیم، باید چه‌طور خوب بودن آن را هم مشخص کنیم.

**سیفی:** من همیشه این مثال را برای یکی از دوستان فیلمساز معروف خودمان هم زده‌ام. اگر شیر آبی را ببندیم و آب آن قطر قطره خارج شود، آن آب دارای رنگار خواهد بود ولی اگر شیر آب را باز بگذاریم تا جریان پیدا کند همواره آبی پاک و زلال در دست خواهیم داشت. فیلم باید به صورت مستمر ساخته شود تا چند فیلم نخبه و ایده‌آل از دل آن پیدا گردد ولی این که بخواهیم ساخت یک فیلم نخبه را سفارش دهیم، چنین چیزی امکان ندارد. یک فیلمساز در یک موقعیت فکری خوب می‌تواند فیلمی خوب هم بسازد. این که من امشب تصمیم بگیرم که فردا یک فیلم خوب بسازم، چنین چیزی امکان‌پذیر نیست.

**جیرانی:** اجازه بدهید برای شما مثالی از تلویزیون بزنم. الآن در تلویزیون صنعت تلفیلم راه افتاده، همه‌ی ما هم می‌گوییم که مزخرف است اما در دل چرخه‌ی صنعت است که کم‌کم تلفیلم خوب ساخته می‌شود. صنعت جا می‌افتد تلفیلم‌ها شکل می‌گیرند و خلایق‌ها بروز پیدا می‌کنند در چرخه‌ی صنعت مجموعه‌سازی است که ۱۰ مجموعه‌ی خوب ساخته می‌شود. اگر بنا باشد بگوییم سالی ۲ مجموعه‌ی خوب می‌سازیم که همان سالی ۲ مجموعه را هم نخواهیم داشت. شما باید ۵۰ مجموعه بسازید، از این ۵۰ مجموعه بر فرض ۴۵ تایی آن مزخرف و ۵ تایی آن خوب و قابل قبول خواهد بود. فکر می‌کنید سینمای آمریکا چه کار می‌کند؟! هزار تا فیلم می‌سازند که ۱۰۰ تایی آن مزخرف است و ۱۰ یا ۲۰ تایی آن خوب است اما اگر آن ۹۰۰ فیلم مزخرف ساخته نشود که این ۱۰ یا ۲۰ فیلم خوب از دل آن درنی‌آید! این یک واقعیت است. خوشبختانه تلویزیون ما به این مسئله پی برد. **لطفی:** فکر می‌کنید سینمای ما گنجایش و ظرفیت چنین تولیدی را دارد؟ **جیرانی:** بله دارد.

**سیفی:** تماشاچی در دوران فعلی برای تماشای فیلم دچار زحمت می‌شود.



من معتقدم که سینما  
سرگرمی است و اگر  
این واژه را از آن  
بگیری چیزی از آن جز  
شعار باقی نمی ماند؛  
شاهکارهای سینمایی  
هم از دل سرگرمی  
بیرون می آیند نه از دل  
نظارت دولت

از کشورها در تمام دنیا در مقابل آن سر خم کنند! و با آن کنار آمده اند. رقابت به کانال های تلویزیونی راه پیدا کرده است یا بازی های رایانه ای. آن هایی هم که سینما دارند در واقع سالن سینما دارند و در آن فیلم های آمریکایی نمایش می دهند؛ همین امارات بغل گوش خودمان که اگر فیلم هندی و آمریکایی نمایش ندهد سینماهای آن تعطیل است و یا تمامی جاهایی که زمانی به سینمای خودشان افتخار می کردند مانند ترکیه و مصر. ولی الان ما در تهران چیزی حدود ۸۰ تا ۹۰ سالن سینما داریم در حالی که در سال های قبل ۵۰ و ۶۰ تا بود و چشم انداز این است که تا پایان امسال ۱۰ تا ۱۲ سینمای دیگر به آن اضافه می شود آن هم در زمانی که سینماهای تمام دنیا در حال کوچک شدن و تغییر کاربری هستند و تنها برای جنبه های تشریفاتی چند تا سینما و سالن را مجهز نگاه می دارند و در طول سال استفاده های دیگری از آن می برند ولی یکی از پیشرفته ترین سینماهای خاورمیانه به زودی در پارک ملت افتتاح می شود. یعنی ما خیلی تازه نفس و در حال ساختن سالن هم هستیم. همین سینمای آزادی حوزه، مایه ی فخر برای سینمای ایران است. البته نظر بنده این است که راه نجات سینمای ایران ساختن سالن بموقور است و چرای آن را هم خدمات تان عرض خواهیم کرد اگر سالن های بیش تری ساخته شود چه توسط دولت و چه بخش خصوصی بسیاری از مشکلات نظیر ممیزی، سانسور، تنگ نظری مسئولین، رقابت ناجوانمردانه ی تلویزیون با سینما، دایره ی بسته ی مضامین و فیلمنامه نویسی، مشکل ستاره و ستاره سالاری یا همان کستینگ که به صورت پنهان بعشددت در حال ضربه زدن به سینمای ایران است نیز خود به خود حل خواهد شد. اگر از این منظر به سینما نگاه کنیم، بسیار جای امیدواری است. ما انواع جشنواره ها را داریم. شاید بتوان ایران را کشور جشنواره های سینمایی نامگذاری کرد. ما هر هفته یک نوع جشنواره داریم انواع مطبوعات زرد و نارنجی و آبی و غیره داریم. روزنامه های سینمایی داریم هر چند بی محتوا! ولی خوب هر روز کلی مطلب جور می کنند و بیرون می دهند. حداقل آن این است که

تنور سینما را داغ نگه می دارند. این همه کارگردان و فیلمبردار داریم در کشورهای عربی کسی که اندکی از فنی دوربین و دیافراگم می داند را استاد خطاب می کنند کشور سوریه کلاً ۳ کارگردان دارد که هر سه تایی آن ها در مسکو درس خوانده اند. ما کلی دانشگاه سینما و استاد سینما و بازیگر داریم. جوانان بسیاری داریم که سق همه ی آن ها از کودکی با سینما برداشته شده است. در واقع سلیقه ی سینمایی آن ها از همان دوران کودکی تربیت می شود.

**لطفی:** آقای حاجی میری این ها حسن های سینماست اگر ممکن است به بحران های آن هم کمی بپردازیم.

**حاجی میری:** این هایی که گفتم از باب مجادله نبود، از باب انصاف بود. ما در کشور خودمان نعمتی به نام سینما داریم که خواسته و ناخواسته نباید آن را زیر پا له کنیم. از بیرون به آن نگاه کنیم. از کره ی مرخ زمین را ببینیم که در آن کشوری به نام ایران است و در آن سینما وجود دارد به جزئیات در مراحل بعد بپردازیم.

### انقلاب و سینما

**سیفی:** آقای حاجی میری ما انقلاب کردیم که این ها را داشته باشیم. **حاجی میری:** در زمان انقلاب سینماها را آتش می زدند، چه کسی گفته که ما برای داشتن سینما انقلاب کردیم؟

**سیفی:** آن که شما می فرمایید بحث دیگری است. از ارزش هایی که انقلاب برای ما به ارمغان آورد، توجه به فرهنگ بود و عدالت اجتماعی بود بنابراین اگر انقلاب همین را هم برای ما به ارمغان نمی آورد، دیگر ما چه می داشتیم؟! یکی از بیانات امام (ره) هم همین بود که سینما نشانه ی تمدن است. ما با فحشا مخالفیم نه با سینما. من با این که سینمای بعد از انقلاب برای ما دستاوردهای بسیاری تا کنون داشته کاملاً موافقم ولی سؤال ایشان این است که در حال حاضر معضلات و مشکلات سینما چیست؟

ادامه دارد